

## فرهنگ شهادت در قرآن کریم

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۳۰

تاریخ تأیید مقاله: ۹۱/۴/۲۴

حسن ستاری ساربانقلی\*

### چکیده:

هدف مقاله حاضر بیان فرهنگ و آموزه‌های شهادت مبتنی بر متن کلام وحی قرآن کریم است. به تعبیر دقیق قرآنی هیچ‌تر و خشکی نیست، مگر اینکه در کتاب خداوند از آن ذکر شده است. «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ». بررسی و تحلیل و تدوین مفاهیم و آموزه‌های شهادت در سایه‌سار وحی و برگرفته از متن قرآن کریم برای واکاوی علمی - پژوهشی معانی متجلی شهادت در فرهنگ اسلامی امری است ضروری و شایسته و بایسته، این مقاله به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی همچون دیدگاه‌های وحی در باب شهادت چیست؟ دیدگاه‌های قرآن کریم در باب شهادت، چه جنبه‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهد؟ می‌باشد. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و انکشاف مفاهیم حاصله، از بستر تفاسیر قرآنی تدوین شده است. تدوین مدل فرهنگی آموزه‌های شهادت از منظر قرآن کریم هم از نظر بازتوجه و احیای ارزش‌های اصیل اسلامی و هم به لحاظ معیارهایی که فرهنگ ما را بتواند به مفاهیم انسانی و آسمانی اسلامی شهادت نزدیکتر کند؛ واجد اهمیت شمرده می‌شود. نتایج حاصل از مقاله بیانگر امکان دستیابی به مدلی جامع در مورد آموزه‌های فرهنگی شهادت با بهره‌گیری از متن قرآن کریم است.

**واژگان کلیدی:** شهادت، وحی، قرآن کریم، فرهنگ شهادت، آموزه‌های شهادت.

حضرت رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ، بَرٌّ؛ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ»<sup>۱</sup> «بالتر از هر نیکویی، نیکویی دیگری است تا آنکه آدمی در راه خدا کشته شود، که در آن صورت بالاتر از آن هیچ خوبی و نیکویی وجود ندارد» (مجلسی ملامحمدباقر، ۱۳۹۲ ه ق، ج ۱۰۰: ۱۰). در تمدن اسلامی حضرت رسول اکرم (ص) به عنوان ملاک، معیار و الگو و به تعبیر دقیق اسوه حسنه معرفی شده است که می‌تواند سیمایی کلی از راه، روش، منش و کردار در الگوپذیری و الگودهی تمام افعال، اعمال، اندیشه و به طور کلی محکی برای سنجش دینداری و دین‌پذیری و مطابق روش اسلام بودن راستین زیستن ما باشد. آنچه در متن قرآن کریم سوره مبارکه الْأَحْزَابِ ۳۳ آیه ۲۱، بیان شده است، دلیل صدق این مدعاست. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» معنای جمله این است که باید شما مسلمانان به پیغمبر نگاه کنید و پیرو کار او باشید (عاملی ابراهیم، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۶۴). «بهترین الگو برای شما نه تنها در این میدان که در تمام زندگی، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است» (بابایی احمد علی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۶۰۱). از سوی دیگر در قرآن کریم به صراحت ذکر شده است «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ وَ كَلِيدَاتِ الْغَيْبِ تَتَنَا نَزْدًا وَسُورَةٌ أُولَئِكَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُخَالِفُونَ لِأَفْئِدَتِكُمْ فِي مَا كُنْتُمْ تُخَالِفُونَ بِغَيْرِ عِلْمٍ أُولَئِكَ هُمُ الْمُضِلُّونَ» (سوره انفصاف ۱۰۹). «آنرا که در کتابهای پنهان است و آنچه در زمین و آسمان است و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر [اینکه] آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است» (سوره مبارک الانعام ۶ آیه ۵۹). «و لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ رَطْبٌ وَ يَابِسٌ دُو مَوْضُوعٍ مُقَابِلِ هُم هَسْتَنْد وَ كِنَايَه از هر متقابلین است (طیب سیدعبدالحسین، ۱۳۷۸، ج ۵: ۹۳). «بیان این موضوع یک اثر «فلسفی» دارد و یک اثر «تربیتی». اما اثر فلسفی... صریحاً می‌گوید که خدا از همه کلیات و جزئیات آگاهی کامل دارد و اما اثر تربیتی آن روشن است، زیرا ایمان به این علم وسیع و پهناور به انسان می‌گوید تمام اسرار وجود تو، اعمال و گفتار تو، نیات و افکار تو، همگی برای ذات پاک او آشکار است... وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ... منظور از «تر» و «خشک» معنای لغوی آن نیست؛ بلکه این تعبیر معمولاً کنایه از عمومیت است.» (مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، ج ۵: ۲۷۲). به عبارت دیگر هم از لحاظ تربیتی و هم از لحاظ فلسفی قرآن ملاک و معیاری ایدئال و غایی و بهینه با درک تمام عرصه‌های فهمی زندگی بشری

است و به دلیل الگو بودن حضرت رسول اکرم(ص) و فرمایش حضرت در خصوص برترین نیکی دانستن شهادت، الزامی است آموزه‌های شهادت از نگاه و اندیشه قرآنی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بررسی فرهنگ و آموزه‌های شهادت در کلام وحی؛ علاوه بر اینکه در راستای درک حقیقی مفاهیم شهادت مبتنی بر معیارهای اسلامی یک ضرورت است. معیاری برای محک الگوهای دسترس‌پذیر و یا پیشنهادی از سوی مراکز مرتبط با فرهنگ‌سازی شهادت در کشور است.

## ۲. اهمیت و ضرورت تحقیق:

۲-۱. ضرورت شناخت بهتر فرهنگ و آموزه‌های شهادت از منظر قرآنی: قرآن کریم به عنوان شاه کلید اصلی درک سازوکار فرهنگی مؤلفه‌های تمدنی و هویت‌ساز فرهنگی در تمدن عظیم ملل اسلامی عمل می‌کند. از طرفی مفهوم شهادت واجد ارزش گسترده‌ای در تمام جهان اسلامی است؛ بدون تردید شناخت اندیشه‌ها و بن‌مایه‌های فکری مرتبط با مقوله شهادت که نشئت گرفته از مفاهیم اصیل قرآنی است؛ هم سبب آشنایی هر چه بهتر و بیشتر ملل مسلمان با مفاهیم اصیل شهادت و همچنین مانع از انحرافات و بدعت‌های احتمالی حاکم بر مفهوم شهادت خواهد شد.

۲-۲. تحلیل سازوکار مدل فرهنگی شهادت از منظر قرآن کریم: اینکه از منظر قرآنی شهادت دارای چه سازه فرهنگی است؛ تدوین بنای عظیم فرهنگی مبتنی بر شهادت و مدل‌سازی و الگوگیری در تمدن اسلامی از فرهنگ شهادت و شهید را آسان‌تر ساخته و در مسیر صحیح و مطلوب قرآنی هدایت می‌کند.

۲-۳. جاری شدن مفاهیم فرهنگی شهادت از منظر قرآن کریم در بستر جامعه: شهید به تصریح قرآنی زنده است و ناظر و شاهد. عمق این اندیشه قرآنی در صورت ساری و جاری شدن در حیات فرهنگی جامعه، مانع ذرافتادن در دام‌های تهاجم فرهنگی و سبب واکسیناسیون ملت عظیم اسلامی دارای هزاران شهید مقدس در برابر جنگ نرم فرهنگی خواهد شد. شهیدانه فقط با اهدای جان مقدس‌شان بلکه با فرهنگ‌سازی صحیح برآمده از دل تفکرات اصیل قرآنی پشتوانه عظیم فرهنگی برای بیمه اخروی و دنیوی یک ملت در صورت بهره‌گیری مطلوب قرآنی از این سرمایه‌های معنوی خواهند گردید.

۲-۴. شناخت بهتر تفکر فرهنگی شهادت و شهادت‌طلبی از منظر دینی به محوریت قرآن کریم: دنیای معاصر تشنه درک مفاهیم اصیل برآمده از معنویت عرفان ناب الهی گونه است و شهید نابترین و پاکترین جلوه مجسم این معنویت الهی است. درک عمیق، صحیح و بهتر چگونگی نگرش فرهنگی به مقوله شهادت که برپایه تفکر بنیادین الهی در کلام وحی و نص

صرح قرآنی باشد؛ برای جامعه امروز ما یک ضرورت است تا فردایمان بسترسازی مناسبی از لحاظ شکل، الگو، قالب، محتوای، شخصیت، قهرمان، ایثار، تلاش، همکاری، تعاون، همدلی، اطلاعات از ولایت و هزاران اندیشه مستتر ناب برخوردار شده از چشمه‌ساز زلال وحی را در سایه‌سار شهادت و شهید بتواند تجربه کند.

### ۳. اهداف تحقیق

- ۳-۱. شناخت دیدگاه‌های و حیانی به محوریت قرآن کریم در باب شهادت،
- ۳-۲. تدوین دیدگاه‌های قرآنی در باب فرهنگ و آموزه‌های شهادت،
- ۳-۳. ساخت مدل فرهنگی آموزه‌های شهادت بر مبنای آرای قرآنی،
- ۳-۴. بررسی و تحلیل افق‌های فرهنگی آموزه‌های شهادت مدنظر قرآن کریم.

### ۴. پرسش‌های تحقیق

۱. دیدگاه‌های قرآن کریم در باب آموزه‌های شهادت و شهادت‌طلبی چیست؟
۲. آیا با تدوین دیدگاه‌های قرآنی در باب شهادت می‌توان به رویکردی دینی در ساخت مدل فرهنگی آموزه‌های شهادت دست یافت؟
۳. دیدگاه‌های قرآن کریم در باب فرهنگ و آموزه‌های شهادت، چه جنبه‌هایی از حیات بشر را مورد توجه قرار می‌دهد؟

### ۵. روش تحقیق

روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و با ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و کنکاش در متن تفاسیر قرآنی و با تحلیل مباحث صورت گرفته است. روند پژوهشی مقاله شامل مراحل زیر می‌باشد:

گام اول: مطالعه در باب فرهنگ شهادت، شناخت مفاهیم بنیادین شهادت از طریق بررسی متون اسلامی مرتبط،

گام دوم: بررسی مفهوم شهادت و ویژگی‌های ساختاری و معنایی آن،

گام سوم: شناخت ویژگی‌های شهادت در متن قرآن کریم، به‌وسیله بررسی و تحلیل متن قرآن کریم و تفسیرهای موجود، بهره‌گیری از بررسی آیتم‌های شهادت‌طلبی و توصیفات آن در متون کتب تفاسیر مربوط،

گام چهارم: مقایسه اصول ساختاری و معنایی بکار رفته آموزه‌های شهادت در متن قرآن کریم،

گام پنجم: نحوه بکارگیری اصول فرهنگ آموزه‌های شهادت استخراج شده از قرآن کریم

در عرصه‌های حیات اجتماعی.

## ۶. فرهنگ و آموزه‌های شهادت در متن قرآن کریم

### ۶-۱. زنده بودن ویژه شهید

شهید به گواهی و نص صریح قرآنی زنده است. وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ<sup>۱</sup> هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (قرآن کریم سوره مبارک آل عمران ۳ آیه ۱۶۹). «و گمان نکنی کسانی را که کشته شدند در راه خدا مردگانند بلکه زنده‌هایی هستند که در پیشگاه الهی روزی می‌خورند. تَحْسَبَنَّ خطاب بیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و مقصود این است که نباید همچو گمانی کرد الَّذِينَ قُتِلُوا و لو در مورد شهداء، یا شهداء بدر یا احد یا شهداء بئر معونه است، ولی کلام عام است جمیع شهداء را» (طیب سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۲۶). «آنان که از حریم اسلام تا آخرین لحظات زندگی دفاع نموده، و کشته شده‌اند، برای همیشه در عالم دیگر زنده و پاینده‌اند، حیات و شهودی که در برزخ و رستاخیز نصیب آنان می‌شود، در اثر آن است که در این جهان نیز زنده، و با مساعی پیامبر و وظایف او شرکت کرده‌اند و تا هنگامی که دین اسلام در جهان بشریت رهبر و فرمانرواست، آثار آنان نیز در پرتو اشعه تابناک ساحت پیامبر اسلام زنده و پاینده خواهد ماند و مانند سایر مردم (از اهل ایمان) نیستند که مرگ آنان فرا رسیده و آثار جاویدانی در این جهان از آنها باقی نمانده باشد» (حسینی همدانی سید محمدحسین، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۲۵۶). «زندگان جاوید! این آیه و دو آیه بعد از آن، بعد از حادثه احد نازل شده است. اما مضمون و محتوای آن تعمیم دارد و همه شهدا حتی شهدای بدر را که چهارده نفر بودند را شامل می‌شود و در آن مقام شامخ و بلند شهیدان را یاد کرده و می‌گوید: «ای پیامبر! هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند» (و لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا. در اینجا روی سخن فقط به پیامبر است تا دیگران حساب خود را بکنند.» (بابایی احمدعلی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۴۹). این زندگانی ویژه شهید، در حیات برزخی ممکن است برای چشم ظاهربین ما قابل درک نباشد، ولی با کیفیت ویژه و خاص خود به تصریح قرآنی «عِنْدَ رَبِّهِمْ» وجود دارد.

### ۶-۲. سفارش ویژه خداوند به جهاد و شهادت

قرآن کریم در عین پرهیز از جنگ طلبی به دلیل جایگاه رفیع شهادت و جهاد با بدل جان در راه خداوند برای شهادت جایگاهی برابر و همسان با ایمان به خدا قائل شده است. یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلَّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ<sup>۱</sup> (۱۰) تُوْمُنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ  
 وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ<sup>۲</sup> (۱۱) ای کسانی  
 که ایمان آورده‌اید آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند (۱۰)  
 به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید این [گذشت و فداکاری]  
 اگر بدانید برای شما بهتر است (۱۱) (سوره مبارکه صف ۶۱ آیه ۱۰ و ۱۱). «یکی از اهداف  
 مهم این سوره، دعوت به ایمان و جهاد است، این آیه و سه آیه بعد نیز تأکیدی است به این  
 دو اصل، با مثال لطیفی که انگیزه حرکت الهی را در جان انسان به وجود می‌آورد. نخست  
 می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از  
 عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟» (یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب  
 الیم (آیه ۱۱) - سپس به شرح آن تجارت پرسود پرداخته، می‌افزاید: «و آن این که به خدا و  
 رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید» (تومنون بالله و رسوله  
 و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم. بدون شک خدا نیازی به این تجارت پرسود  
 ندارد، بلکه تمام منافع آن در بست به مؤمنان تعلق می‌گیرد، و در پایان آیه می‌فرماید: «این  
 برای شما (از هر چیزی) بهتر است اگر بدانید» (ذلکم خیر لکم ان کتمت تعلمون. ایمان به پیامبر  
 صلی الله علیه و آله از ایمان به خدا جدا نیست، همان‌گونه که جهاد با جان، از جهاد با مال  
 نمی‌تواند جدا باشد، و اگر می‌بینیم جهاد با مال مقدم داشته شده نه به خاطر آن است که از  
 جهاد با جان مهمتر می‌باشد، بلکه به خاطر این است که مقدمه آن محسوب می‌شود، چرا که  
 ابزار جهاد از طریق کمک‌های مالی فراهم می‌گردد.» (بابایی احمد علی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۱۷۵).

۳-۶. ارزش‌گذاری ویژه خداوند به شهادت و جهاد

قران کریم در سوره مبارک محمد ۴۷ آیه ۴ فرموده است: «...وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
 فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ... و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند»  
 و در ادامه چنین ارزش‌گذاری ویژه برای شهدا را ذکر کرده است که: «سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِأَعْمَالِهِمْ<sup>۳</sup>  
 به‌زودی آنان را راه می‌نماید و حالشان را نیکو می‌گرداند و ویدخلهم الجنة عرفها لهم<sup>۴</sup> در  
 بهشتی که برای آنان وصف کرده آنان را درمی‌آورد» در آیه قبل به یکی از مواهب الهی بر  
 شهیدان اشاره شد، در این آیه به دو موهبت دیگر اشاره کرده، می‌گوید: «خداوند آنها را

۱. سوره مبارکه صف ۶۱ آیه ۱۰.

۲. سوره مبارکه صف ۶۱ آیه ۱۱.

۳. سوره مبارک محمد ۴۷ آیه ۵.

۴. سوره مبارک محمد ۴۷ آیه ۶.

هدایت می‌کند» سَيَهْدِيهِمْ هِدَايَتِ بِه مقامات عالیه، و فوز بزرگ و رضوان الله. دیگر این که «وضع حال آنها را اصلاح می‌نماید» وَ يُصْلِحُ بِالْهَمِّ آرامش روح و اطمینان خاطر و نشاط معنویت و روحانیت به آنها می‌بخشد، و هماهنگ با صفا و معنویت فرشتگان الهی که با آنها همدمند می‌سازد و آخرین موهبت این که «آنها را در بهشت جاویدانش که اوصافش را برای آنان بازگو کرده است وارد می‌کند» (وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ. نه تنها اوصاف کلی بهشت برین و روضه رضوان را برای آنها بیان کرده، بلکه اوصاف و نشانه‌های قصرهای بهشتی آنها را نیز مشخص می‌سازد، به‌گونه‌ای که وقتی وارد بهشت می‌شوند یکسر به سوی قصرهای خویش می‌روند!) (بابایی احمدعلی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۴۴۸). «سَيَهْدِيهِمْ وَ يُصْلِحُ بِالْهَمِّ» ضمیر جمع به «الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» برمی‌گردد، در نتیجه آیه شریفه و آیه بعدش در مقام بیان حال شهداء بعد از شهادتشان می‌باشد که می‌فرماید: به‌زودی خدای تعالی ایشان را بسوی منازل سعادت و کرامت هدایت کرده، با مغفرت و عفو از گناهانشان، حالشان را اصلاح می‌کند و شایسته دخول در بهشت می‌شوند و وقتی این آیه را با آیه «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ»<sup>۱</sup> ضمیمه کنیم، معلوم می‌شود مراد از اصلاح بال کشته شدگان راه خدا، زنده کردن ایشان است به حیاتی طیب که شایسته‌شان کند برای حضور در نزد پروردگارشان، حیاتی که با کنار رفتن پرده‌ها حاصل می‌شود (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ترجمه المیزان، ج ۱۸: ۳۴۳). «وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ» این جمله منتهی الیه هدایت ایشان است و جمله «عَرَفَهَا لَهُمْ» حال از «يُدْخِلُهُمْ» است، یعنی به‌زودی ایشان را داخل بهشت می‌کند (همان، ص ۳۴۴). «منظور از اصلاح بال می‌شود غفران ذنوب و تکفیر سیئات باشد که با آن صلاحیت اسکان در بهشت را پیدا می‌کنند علی هذا يُصْلِحُ بِالْهَمِّ تفسیر «سیه‌دیه‌م» است یعنی آنها را به طرف کرامت و سعادت ابدی هدایت می‌کند با مغفرت گناهانشان و آن گاه در بهشتی که به آنها خیر داده اسکانشان می‌دهد. عرف‌ها جمله حالیه است از اسکان، یعنی در حالی اسکان می‌دهد که بهشت را شناسانده و فرمود: تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ علی هذا خدا نشان می‌دهد: این همان بهشتی است که به شما وعده کرده بودم» (قرشی سیدعلی اکبر، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۱۸۲). خداوند متعال به شهادت با هدایت و اصلاح و در نهایت اسکان در بهشت ابدی و دارالقرار واقعی ارج و ارزش می‌نهد. در ادامه همین آیات ضمن اشاره به یک سنت الهی یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ<sup>۲</sup> ای

۱. سوره آل عمران، ۳، آیه ۱۶۹.

۲. سوره مبارک محمد ۴۷ آیه ۷.

کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد؛ همراهی خداوند را بشارت می‌دهد. «تکلیف به جهاد صورت امتحان دارد و آنان که در راه خدا کشته شده پروردگار هرگز رنج و اعمال آنها را ضایع نگرداند و بسوی سعادت هدایت و کارشان را نیکو کرده و بصلاح آورد و آنها را داخل بهشت گرداند و منازل ایشان را به آنها بنمایاند و چنان توصیف کند تا خود به آن منازل راه یافته و حاجت نشود به آنکه از کسی سؤال کنند» (بروجردی سیدمحمدابراهیم، ۱۳۶۶، ج ۶: ۳۳۸). علاوه بر این خداوند متعال آنان را از جانب خود به رحمت و خشنودی و باغهایی [در بهشت] که در آنها نعمت‌هایی پایدار دارند مژده می‌دهد (سوره مبارک توبه ۹ آیه ۲۱). «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ: در این آیه کریمه برای افراد مؤمن فائز سه خصوصیت و نتیجه ذکر می‌شود: اول بشارت بر رحمت: و رحمت به معنای مهربانی و رأفت است که به مقام اظهار رسیده و در خارج تحقق پیدا کند و تحقق رحمت در خارج عبارت است از: ظاهر شدن آثار و مظاهر مهربانی، از انواع نعمت‌ها و نیکویی‌های مادی و معنوی که از جانب خداوند متعال اعطاء می‌شود، چون انواع خوراکی‌ها و پوشاک‌ها و مسکن لازم و وسایل و اسباب زندگی و علوم و معارف و سلامتی و صحت بدن و قوای بدنی و روحی و صدها نعمت ظاهری و باطنی و انفرادی و اجتماعی، که فقط با لطف و توجه و بخشش او صورت می‌گیرد و هرگز انسان توان و نیروی به دست آوردن همه آنها را ندارد. دوم بشارت بر رضوان: و رضوان بوزن حرمان مصدر است، و دلالت می‌کند بر زیادی رضا، و آن به معنای موافقت و خوشنودی است و منظور موافق بودن پروردگار متعال است از اعمال و اخلاق و افکار انسان» (مصطفوی حسن، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۷۴). در سوره مبارکه توبه ۹ آیه ۱۱۱ نیز سخن از معامله مخصوص خداوند است که بهشت را به بهای جان و مال مؤمنانی که در راه خدا کشته می‌شوند برای مؤمنان قرار داده است. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است، پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است» و چه معامله‌ای بهتر از این و چه خریداری بهتر از خداوند!



## ۴-۶. مفاهیم قرین شهادت در قرآن کریم

خداوند در قرآن کریم در سوره مبارکه توبه آیات ۲۰ و ۲۱ مفاهیم ایمان، هجرت، جهاد با مال و جان را در کنار هم نشانده است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ». علاوه بر اینکه مصداق عینی این آیه در روایات و تفاسیر اسلامی وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) به عنوان مصداق عینی ذکر شده است (حسینی همدانی سید محمدحسین، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۴۸۷)، «بیان حکم حقی است که خدای تعالی در مسئله دارد و بعد از آن که حکم مساوات را حق ندانست، اینک می فرماید: کسی که ایمان آورد، و در راه خدا بقدر توانایش جهاد کرد و از مال و جانش مایه گذاشت، در نزد خدا درجه اش بالاتر است» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ترجمه میزان، ج ۹: ۲۷۴). «الَّذِينَ آمَنُوا: آنانکه ایمان آورده اند به خدای تعالی و آنچه از جانب او نازل شده. وَ هَاجَرُوا: و هجرت نمودند از دارالکفر به دارالاسلام. وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ: و جهاد کردند با مشرکان در راه خدا. بِأَمْوَالِهِمْ: به بذل کردن مال های خود بر مجاهدان و تهیه اسباب قتال برای آنها. وَ أَنْفُسِهِمْ: و به نفس های خود در معرکه های جهاد. أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ: بزرگترند از حیث درجه نزد خدای تعالی و کرامت و مرتبه ایشان بلندتر و بیشتر است، از آنهایی که سقایت حاج و عمارت مسجد کنند، و جامع این صفات نباشند وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ: و آن گروه متصفین به کمالات، ایشانند رستگاران، و ظفریافتگان به مقاصد دو جهان.» (حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، ۱۳۶۳، ج ۵: ۴۳). «قدم شدن «هم» نشان می دهد که نجات فقط مال اهل ایمان و هجرت و جهاد است» (قرشی سیدعلی اکبر، ۱۳۷۷، ج ۴: ۲۰۴ و ۲۰۵). «و این مقام تنها با سیر روحانی و سلوک روحی بعالم روحانیت، تجرد، صفا و نور حاصل می شود. و در این سیر پیدایش عناوین ظاهری و مقامات مادی و دعاوی و اظهارات، هرگز کوچکترین فایده ای نخواهد بخشید و آنچه لازم است وابستگی به خداوند متعال و مهاجرت و بیرون رفتن از محیط آلوده و تاریک و کوشش در سیر و اطاعت پروردگار متعال، از جان و مال با برنامه معقول و صحیح باشد و در این صورت است که انسان فایز و پیروزمند و مظفر خواهد شد» (مصطفوی حسن، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۷۴). در حقیقت پیام های خداوند متعال در سوره مبارک توبه ۹ آیه ۲۰ عبارتند از: «ایمان، هجرت و جهاد، همچون تقوا، در رأس همه ارزش هاست. «آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا»... «أَعْظَمُ دَرَجَةً»...، در محاسبات الهی، ایمان، هجرت و جهاد، ملاک ارزش است. «عِنْدَ اللَّهِ» ایمان، لازمه کمالات دیگر است. «آمَنُوا» ارزش همه کارهای مقدس، به نیت آنهاست. «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» فوز و رستگاری، تنها در سایه ایمان،

هجرت و جهاد است. «آمَنُوا وَ...»، «أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (قرائتی محسن، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۶).

۵-۶. خدامحوری و توجه ویژه به خداوند و جهت‌دهی مسیر توحیدی

قرآن کریم در ذکر صحنه‌های جهاد و شهادت از لزوم توجه به خداوند و لله بودن و جهت‌دهی توحیدی داشتن صحنه‌های جهاد و جنگ و شهادت سخن گفته است. «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَ هُنَّكَ مَآ شَكَّيَا بِ فَرُوزِ وَا مَآ رَا اسْتَوَار دَارَ وَا مَآ رَا بِرُورِ كَافِرَانَ پَرُوزِ فَرَمَا (سوره مبارکه بقره ۲ آیه ۲۵۰). «و چون در برابر جالوت و سپاهیان او ایستادند، گفتند: پروردگارا، ما را شکیبایی ده، یعنی ما را مشمول صبری از جانب خود ساز تا در برابر هیچ دشواری متزلزل نشویم، «وَ ثَبَّتْ أقدامَنَا - و گام‌های ما را استوار کن. یعنی یقین به ما عنایت کن تا جان‌های ما مطمئن شود و گام‌های ما بر استقامت استقرار پیدا کند که این و آن هر دو مقدمه‌ای برای هدف بزرگتر و آن پیروزی است که در این اواخر از او مسئلت کرده و گفته بودند: وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ - و ما را بر گروه کافران پیروز گردان. دعاها و تلاش‌هایشان به نتیجه رسید. فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ - پس ایشان را به اذن و فرمان خدا شکست دادند و خدا به ایشان اذن داد و پیروز شدند، بدان سبب که صبر و یقین بخششی از ایمان به خدا و تقرب به سوی او و خواستن از او و نتیجه آن استجابت و پذیرفته شدن دعا به توسط خداست.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۸). «همه متفق‌الکلمه قَالُوا گفتند از روی نیاز که رَبَّنَا ای پروردگارا ما أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا فرو ریز بر ما شکیبایی را افراغ که در اصل صب مایع سیال است از جانب علو بتحت استعار است از اکتار و اكمال صبر یعنی صبر بسیار و شکیبایی بی‌شمار بر دل‌های ما ریزان گردان وَ ثَبَّتْ أقدامَنَا و نگاه دار بتوفیق و تأیید خود قدم‌های ما را در میدان حرب انصُرْنَا و یاری ده ما را عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ بر گروه ناگرویدگان در این کلام ترتیبی بلیغ است چه اول سؤال کردند از افراغ صبر در قلوب ایشان که ملاک امر است و معظم آن و بعد از آن طلب ثبات قدم نمودند در مداحض حرب که مسبب است از آن و آنکه نصرت طلبیدند بر دشمنان که مرتبست بر صبر و ثبات در میدان حق سبحانه اجابت دعای ایشان فرمود صبر و ثبات را بر ایشان فیاض گردانید» (کاشانی ملا فتح الله، ۱۳۳۶، ج ۲: ۷۰). نیایش جهادگران صحنه‌های شهادت به درگاه خدا و خواهان صبر از سوی خدا و در نهایت برکت و پیروزی و فتح و نصر از سوی خداوند است. «قَالَ الَّذِينَ يظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مَن فِئْتَهُ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِئْتَهُ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ... کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند

گفتند بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است» (قرآن کریم سوره مبارکه بقره ۲ آیه ۲۴۹). این جهت‌دهی توحیدی و خواستن ایمانی از حق است که به اذن خدا جمع قلیلی را بر جمع کثیری پیروز می‌سازد. این صحنه‌های شورانگیز پیروزی حق قلیل بر باطل کثیر، در ۸ سال شهادت و ایثار نبرد کشورمان با صدامیان به‌وفور مشاهده شده است. توجه به جنبه «بِإِذْنِ اللَّهِ» نشان از خدامحوری در جانبازی و جهاد و شهادت است تا با «وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا» فتح و ظفر حاصل شود و بعد از فتح و ظفر نیز هیچ‌گاه نباید فراموش کرد که این اراده خداوند و جهت‌دهی الهی بود که فتح و ظفر را به ارمغان آورده و می‌آورد و نه تکیه صرف تنها بر اسباب و علل مادی. خداوند در سوره مبارک انفال ۸ آیه ۱۷ می‌فرماید: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيَلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و شما آنان را نکشتید؛ بلکه خدا آنان را کشت و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی تو نیفکندی بلکه خدا افکند [آری خدا چنین کرد تا کافران را مغلوب کند] و بدین وسیله مؤمنان را به آزمایشی نیکو بیازماید، قطعاً خدا شنوای داناست». «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ» کلمه «فا» جواب شرط محذوفست به این تقدیر که ان افتخرتم بقتلهم فأنتم لم تقتلوهم یعنی اگر شما افتخار کنید در قتل قریش پس نکشتید شما ایشان را و لکن الله قتلهم ولی خدا کشت ایشان را، نفی فعل قتل از عباد که فی الحقیقه از افعال ایشانست و نسبت آن بجناب مقدس خود اشارت به آن است که اقدار و تمکین و تشجیع قلوب مسلمانان و القاء رعب در دل‌های کافران که در واقع سبب هزیمت و قتل ایشان است صادر از حق سبحانه و تعالی است» (شریف لاهیجی محمدبن علی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۷۲). «وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». خدا [ست که] زنده می‌کند و می‌میراند و خدا [ست که] به آنچه می‌کنید بیناست» (سوره مبارکه آل عمران ۳ آیه ۱۵۶).

#### ۶-۶. فی سبیل الله بودن و اخلاص نیت

قید واژه «فی سبیل الله» بودن همه امور و مباحث مربوط به شهادت در نگرش قرآنی کلید فهم شهید و شهادت اسلامی در نگرش قرآنی است. واژه «فی سبیل الله» بارها در مباحث مربوط به شهادت در قرآن کریم ذکر شده است. من جمله سوره بقره ۲ آیه ۱۹۰: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»، سوره نساء ۴ آیه ۹۵: «...وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»، سوره انفال ۸ آیه ۷۲: «إِنَّ الَّذِينَ... وَجَاهَدُوا... فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، سوره توبه ۹ آیه ۲۰: «الَّذِينَ... وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، سوره توبه، آیه ۴۱: «... وَجَاهَدُوا... فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»، سوره نساء ۴ آیه ۷۶: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»، و موارد دیگر همگی بیانگر یک خط و سو و محوریت الهی‌گون در بیان قتال و

نبرد حق علیه باطل است و آن میزان و معیار عبارت از در مسیر خدایی بودن برای خداگونه شدن است. شهادت در راه خدا و به نیت خدا و برای خدا.

#### ۷-۶. گسترش تفکر توحیدی

قرآن کریم تفکر توحیدی و لزوم گسترش توحیدی را مشخص کرده است. مثلاً در سوره مبارک انفال ۸ آیه ۳۹ با ذکر واژه‌های «وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»، بر «دین یکسره از آن خدا گردد» تأکید کرده است. سوره مبارک انفال ۸ آیه ۳۹: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»، با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست». و نیز همین واژه‌های «وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» در سوره مبارک بقره ۲ آیه ۱۹۳ نیز آمده است که: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»، با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود پس اگر دست برداشتنند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست». «در تفسیرهای اهل سنت و تفاسیر مختلف شیعه از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده که فرمود: تأویل و تفسیر نهایی این آیه هنوز فرا نرسیده است و هنگامی که قائم ما قیام کند کسانی که زمان او را درک کنند تأویل این آیه را خواهند دید، به خدا سوگند که در آن موقع دین محمد صلی الله علیه و آله به تمام نقاطی که شب پوشش آرام‌بخش خود را بر آن می‌افکند خواهد رسید تا در سراسر زمین مشرک و بت پرستی باقی نماند» (بابایی احمدعلی، ۱۳۸۲، ج: ۲، ۱۵۴).

۸-۶. تحمل رنج‌ها و شداید و صبر و استقامت و پایداری و حق‌مداری فی سبیل‌الله فرهنگ شهادت و شهادت‌مداری و آموزه‌های قرآنی آن بیانگر صبر و پایداری و پایمردی و استقامت بر سختی‌ها در راه خداوند است. خداوند متعال در سوره مبارک آل عمران ۳ آیه ۱۴۶ چنین فرموده است که: «وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»، و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد». در تفسیر این آیه ذکر شده است که: «و رِبِّيُونَ: جمع ربّی، و آن منسوب بر ربّ که برای بنای نوع است، و به معنای نوعی خاص از تربیت باشد و به افرادی اطلاق می‌شود که در تحت نظر رسول خدا یا آیین الهی تربیت شده و درس‌های ثبوت و استقامت و شجاعت و ایمان در آن مکتب تحصیل کرده‌اند و در اینجا سه اثر خارجی برای تربیت آنها ذکر شده است: اول وهن پیدا

نکردن در مقابل حوادث و نامالیقات و وهن عبارتست از: حصول ضعف در اثر عامل خارجی، خواه ضعف در عمل پیدا شود یا در بدن یا در فکر، یا در عنوان و مقام. دوم ضعف پیدا نشدن برای آنها در مقابل دشمن و ضعف عبارتست از: نبودن قوت و نیروی ذاتی، پس قوت و ضعف در جهت ذاتی و تکوینی اعتبار شده، و از این لحاظ قوی‌تر و شدیدتر از وهن باشد که پس از آن ذکر شده است. سوم استکانت پیدا نشدن و آن از باب استفعال و از ماده کون است که به معنای وقوع و تحقق در ذات شیء یا در حالت آن است و این معنای ملازم است با خضوع و افتادگی و دور شدن از تحرک و فعالیت، پس این حالت قوی‌تر از ضعف خواهد بود. پس این افراد که در خدمت انبیا مشغول مجاهده بودند، هرگز حالت وهن از عوامل خارجی، و نه از حالت ضعف در ذات و وجود خود، و نه حالت استکانت که حصول افتادگی است از فعالیت، پیدا نکردند و در حقیقت آنان با صفت بردباری و تحمل و صبر متصف بوده، و از حوادث نامالیق و از سختی‌ها و فشارهای جهاد با دشمن، تحول حالت پیدا نکرده و هرگز آثار سستی و ضعف در وجود آنان دیده نشد و منشأ این حالت: وابستگی و ایمان محکم آنها بود به خداوند متعال و علاقه شدید و گرایش آنها به رسول خدا و آیین او و تسلیم شدن در مقابل برنامه الهی و کوشش و مجاهده در راه او بود و صبر: عبارت است از: بردباری و نگهداری نفس از اضطراب و جزع و پریشانی و پیدا کردن حالت طمأنینه و ثبات نفس و این معنای علامت و سعت صدر و استعداد قوی و گشایش ظرفیت قلب است و از این لحاظ در مورد محبت خداوند متعال قرار می‌گیرد، زیرا او به خوبی می‌تواند تکالیف الهی و حقایق و اسرار دینی و معارف را در قلب خود ضبط کرده و با کمال طمأنینه و ثبات نفس در راه حق برقرار باشد و چون چنین طمأنینه و بردباری در قلب انسان پیدا شد: قهراً در مقابل حوادث و ابتلائات نیز متزلزل و مضطرب نخواهد شد» (مصطفوی حسن، ۱۳۸۰، ج ۵: ۶۷ و ۶۶).

#### ۹-۶. رفع فتنه و شر

نگرش قرآنی برای نبرد و شهادت در راه خدا معیاری به نام رفع و دفع فتنه، در نظر گرفته است. من جمله در سوره مبارک بقره ۲ آیه ۱۹۳ چنین می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ، با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود، پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست». «جهاد در اسلام برای چند هدف مجاز شمرده شده است (که اولین آن) جهاد برای خاموش کردن فتنه‌ها (است)» (بابایی احمدعلی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۷۵). «فرمان پیشبرد جهاد است از حدود دشمنان جنگجو تا هر جا و هر زمان که فتنه‌ای درگیرد و مانع پیشرفت رسالت و دعوت

اسلام شود و مردم را در شرک و حاکمیت غیر خدا و عقاید و عادات جاهلیت نگهدارد، این گونه فتنه باید از میان خلق برداشته شود تا از هر مسئولیت و تعهدی جز در برابر خدا آزاد شوند و پذیرای آیین و حاکمیت او گردند» (طالقانی سیدمحمود، ۱۳۶۲، ج ۲: ۸۴). در واقع برای آزادی بشر از چنگال‌های اسارت فکری و استضعاف فکری قرآن کریم نبرد در راه حق و شهادت را اعلام نموده است. قرآن کریم در مواردی دیگر نیز این امر را اعلام نموده است. من جمله در سوره مبارک انفال ۸ آیه ۳۹: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ، و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست» در تفسیر این آیه چنین نوشته شده است که: «تو و مؤمنین زنهار که در مهم خود که همان اقامه دین و تصفیه کردن و صالح ساختن محیط برای مؤمنین است کوتاهی و سستی نکنید، و به قتال کفار پردازید تا این فتنه‌ها که هر روز به راه می‌اندازند خاتمه پذیرد و دیگر هوای فتنه‌انگیزی در سر نپوررانند، اگر دست بردارند که خداوند به پاداش اعمالی که از ایشان ببیند جزای خیرشان می‌دهد و اگر سرپیچی کنند و همچنان فتنه و جنگ به راه اندازند، شما نیز جنگ را ادامه دهید که خداوند یاور شماست، باید این را بدانید و سستی و ترس به خود راه ندهید.» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ترجمه المیزان، ج ۹: ۹۹).

#### ۱۰-۶. رهاسازی مستضعفان موحد

از اهداف و آموزه‌های مورد تأکید قرآنی در جهاد و شهادت در راه خدا، هدف و انگیزه آزادسازی مردان و زنان و کودکان مستضعف، شمرده شده است. من جمله قرآن کریم چنین ذکر نموده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»، و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید همانا که می‌گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما». این آیه و جوب جهاد در راه خدا و برای نجات مستضعفین را می‌رساند. مؤلف کتاب پرارزش تفسیر المیزان در مورد این آیه چنین فرموده است: «کلمه، (مستضعفین) عطف شده بر موضع لفظ (الله)، و به آیه این معنا را می‌دهد: که چرا در راه خدا نمی‌رزمید و چرا در راه نجات مستضعفین نمی‌جنگید، و این آیه شریفه نیز تحریکی دیگر است بر قتال، که با تعبیر استفهام

انجام شده، استفهامی که به یاد شنونده می‌آورد که قتالشان قتال در راه خداست، و فراموش نکنند، که در چنین قتالی هدف زندگی سعیدشان تأمین می‌شود، چون در زندگی سعیده هیچ آرزو و هدفی جز رضوان خدا و هیچ سعادت‌تی پرمحتواتر از قرب به خدا نیست، و به یاد داشته باشند که قتالشان قتال در راه مردم و زنان و کودکانی است که به دست غداران روزگار به استضعاف کشیده شده‌اند و بنابر این در این آیه شریفه تحریک و تهییجی است برای تمامی مؤمنین، چه آنهایی که ایمانشان خالص است و چه آنهایی که ایمانشان ضعیف و ناخالص است؛ اما آنهایی که ایمانشان خالص و دل‌هایشان پاک است، برای به حرکت درآمدنشان به‌سوی قتال همان یاد خدای عزوجل کافی است، تا برای اقامه حق، و لیبیک گفتن به ندای پروردگارشان و اجابت دعوت داعی او، به پا خیزند؛ اما آنهایی که ایمانشان ناخالص است، اگر یاد خدا تکانشان داد که هیچ و اگر یاد خدا کافی نبود این معنا تکانشان می‌دهد که اولاً این قتالشان قتال در راه خداست و ثانیاً قتال در راه نجات مستی مردم ناتوان است، که به‌دست کفار استضعاف شده‌اند و خلاصه کلام این‌که آیه شریفه به این دسته از مردم می‌فرماید: اگر ایمان به خدایتان ضعیف است، حداقل غیرت و تعصب که دارید و همین غیرت و تعصب اقتضا می‌کند؛ از جای برخیزید و شر دشمن را از سر یک مشت زن، بچه و مردان ضعیف کوتاه کنید. آری اسلام هر چند که هر سبب و نسبی را در برابر ایمان هیچ و پوچ دانسته؛ ولی در عین حال همین هیچ و پوچ را در ظرف ایمان معتبر شمرده، بنابراین بر هر فرد مسلمان واجب است که به‌خاطر برادران مسلمانش که سبب ایمان و برادری بین آنان برقرار ساخته و نیز به‌خاطر برادران تنی و سایر خویشاوندان زن و مردش - در صورتی که مسلمان باشند - فداکاری کند، و غیرت به خرج دهد، که اگر چنین کند خویشاوندان خود را از مستضعفین جدا کند و نجات دهد، همین عمل نیز بالآخره سبیل الله خواهد شد» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ترجمه المیزان، ج ۴: ۶۷۳).

آزادی مستضعفان جهان از زیر بار ستم فکری و ذهنی عملی، می‌تواند مجوز ورود به جهاد و شهادت‌طلبی با در نظر گرفتن این شواهد قرآنی باشد.

#### ۱۱-۶. اطاعت از خدا و رسول و مقام ولایت

اطاعت از خداوند و رسول او و مقام ولایت جایگاه ویژه‌ای در نگرش قرآنی دارد؛ ولی این توصیه‌های اکید در میداین جبهه‌های نبرد و در صحنه‌های شهادت و ایثار، نمودی تأکید شده‌تر و چندین باره می‌باید. خداوند در قرآن کریم سوره مبارک انفال ۸ آیه ۶ و نیز آیه ۷۲ همان سوره چنین فرموده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید». اطاعت از خدا و رسول رمز ماندگاری شهادت و رمز شهادت مطلوب اسلامی - قرآنی است.

علاوه بر اینکه اطلاعات از خدا و ولی امر رسول و نبی و مقام ولایت برای همه مسلمین الزامی است، این اطاعت از ویژگی‌های خاص و بارز فرهنگ شهادت و شهیدان اسلامی است.

## ۱۲-۶. رعایت عهد و پیمان حتی با کافران

در اندیشه قرآنی عهد و پیمان حتی با دشمن دارای ارزش بوده و حق شکستن یکجانبه عهد و پیمان را برخلاف مکاتب غیراخلاقی غربی روا نمی‌شمارد. قرآن کریم در سوره مبارک انفال ۸ آیه ۷۲ چنین فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۷۲» درصد کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده‌اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند آنان یاران یکدیگرند و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ ولی مهاجرت نکرده‌اند هیچ‌گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند، مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۷۲)» به رغم تأکید قرآن بر جهاد و شهادت رعایت پیمان بسته شده حتی با کفار محترم شمرده شده است. جهاد با کفار رواست؛ اما «مگر آن کفاری که با شما عهد و میثاق بسته‌اند که با شما جنگ نکنند و کمک به مشرکین و سایر کفار ننمایند» (طیب سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۶۳). «پیمان نصرت و یا درخواست کمک مسلمانان غیرمهاجر درباره مهاجرین و انصار نافذ است و چنانچه درخواست کمک کنند، باید با آنها کمک و یاری کرد، جز در موردی که علیه کفار قیام کنند که هم‌پیمان با مهاجرین و انصار باشند؛ زیرا در این صورت کمک با آنها مستلزم نقض امانی است که به آن گروه کفار داده‌اند.» (حسینی همدانی سید محمدحسین، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۴۲۰). اندیشه قرآنی رعایت معیارهای اخلاقی را حتی در شرایط جهاد و شهادت نیز توصیه و الزامی کرده است.

## ۱۳-۶. پرهیز از درگیری و کشمکش بین خود

خداوند متعال در قرآن کریم سوره مبارک انفال ۸ آیه ۴۶ چنین فرموده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶)» و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می‌شوید و قدرت و شوکتان از میان می‌رود و شکیبایی ورزید، زیرا خدا با شکیبایان است (۴۶)» در



این آیه اطاعت از خداوند، رسول، مقام ولایت و پرهیز از درگیری و کشمکش میان خود و صبر توصیه شده است. «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ: تشکیل صحنه جنگ به سرپرستی رسول گرامی است، ناگزیر هرگونه دستور جنگی از او صادر شود از ساحت آفریدگار شرف صدور یافته، نجات و رستگاری مسلمانان در جنگ و فتح و پیروزی بر دشمن بر محور پیروی از دستورات پیامبر گرامی (ص) دور میزند. وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ: بیان قید سلبی و تأکید درباره وحدت کلمه در سراسر جنگ است که از هنگام بسیج بسوی جبهه تا پایان آن لحظه‌ای نزاع و اختلاف درباره کوچکترین امری نباید رخ دهد و افراد مواسات را به تمام معنا در همه حالات در نظر داشته باشند؛ زیرا کوچکترین نزاع و اختلاف در سپاه هلاکت حتمی را در بر خواهد داشت. وَ اصْبِرُوا: دستور کلی در همه لحظات است که افراد باید هرگونه پیشامد ناگواری که رخ دهد گوارا تلقی کنند و نادیده بگیرند تا بتوانند برابر دشمن پافشاری و استقامت نمایند، زیرا اساس صحنه جنگ بر جانفشانی و فداکاری و از خود گذشتگی است و مرتبه‌ای از آن مجروح شدن و از کار بازماندن اعضا و جوارح است بالاخره پیروزی در جنگ بر صبر و بردباری در برابر هرگونه خطر استوار است و از اطلاق جمله وَ اصْبِرُوا استفاده می‌شود که از جمله آن صبر در باره مجروح شدن و از کار باز ماندن و کشته شدن است. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ: معیت آفریدگار با موجودات بطور احاطه قیومیه و معیت حقیقی است و عبارت از رابطه خلقت و آفرینش که ناگسستنی است و آیه مبنی بر وعده به افرادی است که در بناگذاری و نشر دین اسلام در جنگ بدر با رسول اکرم (ص) شرکت کرده، آفریدگار با آنها معیت و پشتیبانی خاصی مهذول می‌فرماید که قابل قیاس با سایر موجودات نیست. (حسینی همدانی سیدمحمدحسین، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۳۵۶). کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است (بابایی احمدعلی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۵۹). مجاهدان راه خدا و رهروان حقیقی شهادت همواره در عین امکان داشتن اختلاف‌های عقاید و آرا، با تسلیم در پیشگاه خدا و رسول و مقام ولایت از هرگونه تضعیف و کشمکش میان نیروهای خودی پرهیز دارند.

#### ۱۴-۶. رعایت تقوا و عدالت

تفکر و آموزه‌های قرآنی در عین تأکید مکرر بر جهاد و فضایل آن، به رعایت تقوای الهی و رعایت حدود دین و عدالت در عرصه‌های جهاد نیز پای فشرده است. قرآن کریم در سوره مبارک بقره ۲ آیه ۱۹۰ چنین فرموده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ، و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید؛ ولی

از اندازه درنگذرد، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد» این حد و اندازه، حد و اندازه عدالت و معیار سنجش دینی قرآنی است. «و در اینجا دو قید برای مقاتله ذکر شده است: اول اینکه برنامه این مقاتله با خواسته الهی تطبیق کرده و در راه او و برای او باشد، نه روی تعصب و غضب و خودپرستی و یا به منظور مقاصد دنیوی و منافع مادی و پیشرفت ظاهری. دوم اینکه در مقابل مقاتله آنان صورت بگیرد و مقاتله و محاربه آنها اعم است از آنکه به صورت قتل و کشتار باشد، و یا جنگ سردی که گاهی از جنگ گرم نافذتر و مؤثرتر است. پس در عین حالی که مسلمین مأمور به دفاع از دشمنان محارب هستند، باز دستور دارند که دفاع به صورت برنامه الهی و حق باشد و چون عنوان مقاتله مطرح است: لازم است این موضوع عرفاً صدق کند، تا مقاتله مسلمین هم به عنوان دفاع و مقابله صحیح باشد.» (مصطفوی حسن، ۱۳۸۰، ج ۳: ۴ و ۵). «با آن افرادی قتال کنید که با شما قتال می‌کنند. تا آن افرادی که از قتال خودداری می‌کردند مستثنا شده باشند... منظور از جمله: (وَ لَا تَعْتَدُوا) بنابر قول اول این است که شما مسلمانان در پیکار با کفار سبقت نگیرید و بنابر قول دوم افرادی را که از قبیل: زنان و کودکان باشند و قتال با آنان جایز نیست نکشید... تنها دینی که عدالت را لازم دانسته و می‌داند و آن را در معرض عمل گذاشته و می‌گذارد دین مقدس اسلام است... از جمله: (الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) که در این آیه شریفه است و از جمله: (فَإِنْ قَاتَلْتُمُوهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ) که در آیه بعد است معلوم می‌شود: اسلام و تابعین واقعی آن در پیکار با دشمنان حتی با مشرکین سبقت نگرفته و نخواهند گرفت... از جمله: (وَ لَا تَعْتَدُوا) که در این آیه و آیات متعدد دیگر است مثلاً از قبیل: (وَ إِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ) <sup>۱</sup> و مانند: (فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ) <sup>۲</sup> و کاملاً ثابت و معلوم می‌شود: هرگاه دین مقدس اسلام بخواهد از خود دفاع کند و از دشمن انتقام بگیرد بیشتر از حق و حد خود تلافی نکرده و نخواهد کرد و این خود نیز عین عدالت و دادگستری است که برای اسلام منحصر بفرد می‌باشد» (نجفی خمینی محمدجواد، ۱۳۹۸ قمری، ج ۱: ۲۵ و ۲۴).

۱۵-۶. پرهیز از تجاوز از حدود الهی

در عین جهاد و شهادت رعایت حدود الهی و پرهیز از تجاوز، مورد سفارش جدی قرآن کریم بوده است. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید؛ ولی از اندازه درنگذرد؛ زیرا خداوند

۱. سوره: نحل، آیه- ۱۲۷.

۲. سوره: بقره، آیه- ۱۹۴.

تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد» (قرآن کریم سوره مَبَاک بقره ۲ آیه ۱۹۰). «مجاهد فی سَبِيلِ اللَّهِ نباید از هدف خدایی منحرف شود و خشم و خون و انگیزه‌های نفسانی او را از سبیل الله بیرون برد و به مردمی که جزء دشمنند؛ ولی در حال جنگ نیستند و یا شکست خورده‌اند، دشمنی و تجاوز نمایند. مجاهد فی سَبِيلِ اللَّهِ با همان دشمنان جنگ افروز نیز نباید دشمنی و کینه‌ورزی داشته باشد. اگر از آغاز به انگیزه دشمنی یا خودنمایی یا کشورگشایی جنگیدی یا سپس تغییر قصد داد، نه جنگش جهاد است و نه فی سَبِيلِ اللَّهِ و نه تقرب به خدا» (طالقانی سیدمحمود، ۱۳۶۲، ج ۲: ۸۲).

#### ۱۶-۶. هجرت و جهاد در راه خدا

هجرت در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه و خاصی دارد که مختص صرف جهاد و شهادت نیست. هجره در لغت به معنای مهاجرت دسته‌جمعی و ترک وطن و لغت هجران به معنای جدایی و بریدن است (سیاح احمد، ۱۳۸۰: ۵۶۶). با اینکه معنای لغوی هجرت جدایی و فصل از نظر مکانی و یا معنوی است ولی در اندیشه اسلامی دوران رسول اکرم هجرت به مدینه، شرط ایمان اسلامی بوده است. تاریخ حرکت پیامبر به مدینه را از مکه شب پنجشنبه اول ربیع‌الاول سال چهارده بعثت ثبت کرده‌اند. در منابع اسلامی از روز پنجشنبه هشت ربیع‌الاول و به قولی دوشنبه دوازده ربیع‌الاول مصادف با ۲۴ سپتامبر (دوم مهرماه) سال ۶۲۲ میلادی به عنوان روز ورود پیامبر به مدینه یاد شده است (زرگری نژاد غلامحسین، ۱۳۷۸: ۳۷۱ و جعفریان رسول، ۱۳۸۰: ۴۱۱). این هجرت برای ساکنان مدینه انصار، هجرت از بت‌های دروغین و عقاید سست آبا و اجدادی و برای مردم مکه مهاجران، هجرت از شهر و زندگی و حیات موجود و رهسپار شدن به شهر طیبه و آزمایش فدا کردن جان‌ها، ثمرات، مال، اموال و اولاد<sup>۱</sup> و... بود. هجرت امری واجب در زمان رسول خدا بوده است (ابن‌العربی ابوبکر محمد ابن عبدالله، ۱۳۷۸ قمری: ۸۷). خداوند متعال نیز در سوره مبارکه نسا آیه ۹۷ امر به وجوب شرعی هجرت نموده است. إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا کسانی که بر خویشان ستمکار بوده‌اند [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند می‌گویند در چه [حال] بودید پاسخ می‌دهند ما در زمین از مستضعفان بودیم، می‌گویند مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید، پس آنان جایگاهشان دوزخ است و [دوزخ] بد سرانجامی است» در هر صورت شرط ایمان در زمان رسول اکرم هجرت بوده است...

۱. سوره مبارکه بقره ۲، آیه ۱۵۵: وَكَيْفَ لَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ وَ قَطَعَا مَا رَا بِهِ شَيْءٍ زَا [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را.

مهاجران جز با اجازه پیامبر... اجازه خروج از شهر مدینه را نداشتند و در صورت خروج از مدینه مصداق التعرب بعد الهجرة می شدند، این تعرب به منزله کفر بود (فیرحی داود، ۱۳۸۵: ۱۹۹). ابن مسعود از جمله لعنت شدگان در لسان رسول خدا را اعراب مرتدی دانسته است که تعرب بعد هجرت داشته اند (جعفریان، ۱۳۷۳: ۴۱). خداوند متعال در قرآن کریم سوره مبارک حج ۲۲ آیه ۵۸ و ۵۹ چنین فرموده است: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۵۸) لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ (۵۹) و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده اند و آنگاه کشته شده یا مرده اند قطعاً خداوند به آنان رزقی نیکو می بخشد و راستی این خداست که بهترین روزی دهندگان است (۵۸) آنان را به جایگاهی که آن را می پسندند در خواهد آورد و شک نیست که خداوند دانایی بردبار است (۵۹)» «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»: عام است شامل جمیع کسانی که از اوطان خود هجرت می کنند در راه خدایی... و سایر طرق الهیه که فرمود: «الطرق الی الله بعدد انفس الخلائق» تمام را شامل می شود. (ثُمَّ قُتِلُوا): مثل اصحاب بدر و حنین و اصحاب امیرالمؤمنین و اصحاب سیدالشهداء و بسیاری از ذراری رسول الله، و از علما شیعه و از مؤمنین که به دست کفار و معاندین و مخالفین کشته شدند. (أَوْ مَاتُوا): در غربت از دنیا رفتند. (لَيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا): چه در عالم برزخ و چه در قیامت که این جمله قریب المفاد است با آیه شریفه، «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (طیب سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۲۶ و ۳۲۷). پس صرف هجرت در راه خدا همردیف جهاد و شهادت بوده و خداوند اجر جهادگران و هجرت کنندگان در راه خدا را همردیف قرار داده است و اصولاً شهادت بزرگترین هجرت است به سوی خدایی شدن که خداوند خود بارها من جمله در سوره مبارک توبه ۹ آیه های ۲۰ و ۲۱ چنین فرموده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰) يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّثِيمٌ (۲۱) کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند (۲۰) پروردگارشان آنان را از جانب خود به رحمت و خشنودی و باغ هایی [در بهشت] که در آنها نعمت هایی پایدار دارند مژده می دهد (۲۱)».

۱۷-۶. نشاط و امید به رحمت حق

پیروان راستین فرهنگ شهادت و ایثار همیشه به رحمت حق امیدوارند. قرآن کریم در

سوره مبارک بقره ۲ آیه ۲۱۸ چنین فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ، آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده‌اند آنان به رحمت خدا امیدوارند خداوند آمرزنده مهربان است.» [آری این گروه در پرتو این سه کار بزرگ (ایمان و هجرت و جهاد) اگر مرتکب اشتباهاتی نیز بشوند... ممکن است مشمول عنایات و مغفرت الهی گردند.] (مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۱۴). این رحمت تا به آن حد است که در شأن نزول وارد شده است: «ابن آیه در مورد عبدالله بن جحش و یارانش که عبدالله خضرمی را در ماه رجب به قتل رساندند نازل شده است، گروهی از آنان تصورشان این بود که بر فرض مرتکب گناه نشده باشند، پاداش هم نخواهند داشت [زیرا در ماه حرام بوده است] از این رو خداوند این آیه را نازل کرد و به آنان وعده پاداش داد.» (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷، ترجمه جوامع الجامع، ج ۱: ۲۷۹). «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا: بدرستی که آنان که ایمان آوردند به خدا و رسول و معتقدات حقّه ایمانیه، وَالَّذِينَ هَاجَرُوا: و آنانکه هجرت نمودند از اوطان خود برای اعلاّی کلمه حق یا حفظ دین، وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ: و جهاد کنند در راه خدا، أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ: آن گروه متصفه به این صفات سه‌گانه امیدوار باشند رحمت و بخشایش الهی را که به ثبوت ابدیه نائل شوند. وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ: و خدای تعالی بسیار بسیار آمرزنده مؤمنان است از آنچه صادر شده از ایشان از خطا و کمی احتیاط در ملاحظه اوامر و نواهی سبحانه.» (حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۸۹). امید به رحمت حق در عین داشتن رجا از صفات و ویژگی‌های جهادگران راستین عرصه شهادت و ایثار در فرهنگ اسلامی است. این امیدواری هم امید معنوی و هم امید به فتح و پیروزی حتی با قلت اسباب و علل مادی ظاهری است. «... قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مَن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ... کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند...» (سوره مبارک بقره ۲ بخشی از آیه ۲۴۹).

#### ۱۸-۶. قطع دنیادوستی و ریا به منزله آفت شهادت طلبی

تعلق و دوستی دنیا و طلب ریا از آفات روحیه جهاد و شهادت طلبی بوده و سبب عدم توفیق شهادت حساب می‌گردد. در تعبیر قرآنی کسانی که به افتخار شهادت نائل می‌گردند که از علایق پست دنیوی بریده و به افق‌های برتر حیات و زندگی اصیل پیوسته باشند و سرمایه جان و عمر که عزیزترین سرمایه انسانی در حیات دنیوی است را با رضایت حضرت حق معامله نمایند. تأثیر دنیاطلبی و طلب دنیا و ریاکاری سستی در ادای وظایف و بازداشتن از

شهادت است. خداوند متعال در قرآن کریم سوره مبارکه توبه ۹ آیه ۳۸ چنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ، ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود در راه خدا بسیج شوید، کندی به خرج می‌دهید، آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید، متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست». در شأن نزول آیه چنین آمده است که: «پس از فتح مکه و جنگ حنین و طائف، مسلمانان مأمور به جنگ تبوک شدند و هنگام تابستان بود و رسیدن میوه و مردم می‌خواستند رنج گرما نبینند و از میوه‌های خود بهره‌مند شوند و سفر و جنگ بر آنها دشوار بود، با این آیه تنبیه شدند.» (عاملی ابراهیم، ۱۳۶۰، ج ۴: ۴۰۰). «نقل است که در سال نهم از هجرت که حضرت رسالت عازم غزوه تبوک شد، هوا در غایه حرارت بود اهل مدینه به سبب خشکسالی و قحطی و رنجوری بدن پریشان حال بودند چون فرمان رسید که اصحاب کمر جهاد بر میان اجتهاد بسته عنان عزیمت بدان صوب معطوف سازند ایشان به سبب بعد مسافت و کثرت اعدا و قلت زاد و ضعف بدن و گرمی هوا به کراهت طبیعی در رفتن تکاهل می‌ورزیدند آیه آمد که یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای گروه گرویدگان ما لَكُمْ چیست شما را که برای اعلام کلمه دین إِذَا قِيلَ لَكُمْ چون گویند شما را که بجهد تمام انْفِرُوا بیرون روید فی سَبِيلِ اللَّهِ در راه خدا أَنْتَقَلْتُمْ گران جنید و درنگ کنید و مایل شوید إِلَى الْأَرْضِ بسوی زمین یعنی از غایت کاهلی در آن زمینی که مقیمید یک قدم از آن برمدارید و ملازم آن باشید و یا میل کنید بمزروعات ارض و ثمار ان جار مجرور متعلقست به انناقلتم و چون متضمن معنی اخلاص و میل است از این جهت معدی بالی شده است پس بر سبیل تفریح و انکار می‌فرماید که أَرْضَيْتُمْ آیا راضی شدید و خورسند گشتید بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا به زندگانی دنیا و غرور آن مِنَ الْآخِرَةِ از زندگی عقبی یعنی دنیا را بر آخرت برگزیدید فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا پس نیست برخورداری از زندگانی دنیا فی الْآخِرَةِ در جنب سرای آخرت و نعیم آن إِلَّا قَلِيلٌ مگر اندک محقر و هیچ عاقل بزرگتر را از دست ندهد برای خوردتر چه متاع این جهان فانی و معیوب است و نعیم آن جهان باقی و مرغوب» (کاشانی ملا فتح الله، ۱۳۳۶، ج ۴: ۲۷۰). «قرآن با شدت هر چه تمامتر مردم را به جهاد دعوت می‌کند، گاهی به زبان تشویق، و گاهی به زبان ملامت و سرزنش، و گاهی به زبان تهدید، با آنها سخن می‌گوید و از هر دری برای آماده ساختن آنها وارد می‌شود» (مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۱۵). قرآن کریم در سوه مبارک نساء آیه ۷۴ چنین می‌فرماید: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُ أَوْ يَغْلِبُ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا، پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد». پیام‌های این آیه مبارک به این شرح می‌باشد: «هدف از جنگ در اسلام، فقط خداست، نه کشورگشایی، نه استثمار و نه انتقام. فِي سَبِيلِ اللَّهِ جِهَادٌ، توفیقی است که به همه داده نمی‌شود. فَلْيُقَاتِلْ، الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا دُنْيَا طَلَبَانِ نه لیاقت جبهه را دارند و نه شجاعت آن را. جِهَادٌ اکبر و مبارزه با دنیاپرستی، مقدمه جهاد اصغر و مبارزه با دشمن است. فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ. مجاهد فی سبیل الله هرگز مغلوب نیست. به جای «يَغْلِبُ» می‌فرماید: فَيُقْتَلُ. در جبهه حق، فرار و شکست مطرح نیست، یا شهادت یا پیروزی. فَيُقْتَلُ أَوْ يَغْلِبُ. منافع، فقط غنائم را فوز عظیم می‌داند ولی قرآن، هم برای پیروزی و هم برای شهادت، اجر عظیم قرار داده است. أَجْرًا عَظِيمًا. وعده أَجْرًا عَظِيمًا تشویق برای عزیمت به جبهه است. زندگی آخرت برتر از زندگی دنیاست و معامله دنیا با آخرت کار بزرگی است. يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ، أَجْرًا عَظِيمًا پاداش شهید و رزمنده پیروز یکسان است. فَيُقْتَلُ أَوْ يَغْلِبُ، أَجْرًا عَظِيمًا» (قرائتی محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، ج ۲: ۳۲۹). خداوند در قرآن کریم سوره مبارک توبه ۹ آیه ۱۱۱ چنین فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي بَاعْتُمْ بِهَا أَنْفُسَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (سوره بقره، آیه ۲۱۷). در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است» تعلق به دنیا و دنیاطلبی صرف و حب جاه و مال و حب جان از موانع جدی شهادت برشمرده شده است که در نتیجه محرومیت از فوز عظیم و مقام رضایت خداوند را به دنبال خواهد داشت. خداوند در سوره مبارکه انفال ۸ آیه ۴۷ عوامل دیگری را نیز به عنوان آفات شهادت و جهاد در راه خدا برشمرده است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ، و مانند کسانی مباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می‌داشتند و خدا به آنچه می‌کنند احاطه دارد» درک حالات ریا و نمایش دنیوی و در راه خدا نبودن امور به عنوان آفات جدی شهادت مطرح شده است. قرآن کریم «مسلمانان را

از پیروی کارهای ابلهانه و اعمال غرورآمیز و بی‌محتوا و سر و صداهای تو خالی و بی‌معنا باز می‌دارد» (مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۹۷).

## نتیجه‌گیری

قرآن کریم کتابی است که به تمام آنچه حیات مادی و معنوی بشر برای تکامل خود به آن نیاز دارد؛ پاسخگوست. تحقیق حاضر با بررسی متن قرآن کریم و به مدد تفاسیر موجود کوشید بر مبنای آموزه‌های قرآنی به تدوین محورهای فرهنگ آموزه‌های شهادت دست یابد. تحقیق حاضر با بررسی هیجده محور از آموزه‌های قرآنی فرهنگ شهادت و ایثار با عناوین: زنده بودن ویژه شهید، سفارش ویژه خداوند به جهاد و شهادت، ارزش‌گذاری ویژه خداوند به شهادت و جهاد، مفاهیم قرین شهادت در قرآن کریم، خدامحوری و توجه ویژه به خداوند و جهت‌دهی مسیر توحیدی، فی‌سبیل‌الله بودن و اخلاص نیت، گسترش تفکر توحیدی، تحمل رنج‌ها و شداید و صبر، استقامت، پایداری و حق‌مداری فی سبیل‌الله، رفع فتنه و شر، رهاسازی مستضعفان موحد، اطاعت از خدا و رسول و مقام ولایت، رعایت عهد و پیمان حتی با کافران، پرهیز از درگیری و کشمکش بین خود، رعایت تقوا و عدالت، پرهیز از تجاوز از حدود الهی، هجرت و جهاد در راه خدا، نشاط و امید به رحمت حق، قطع دنیا دوستی و ریا به منزله آفت شهادت‌طلبی کوشید به تدوین مدلی برای سنجش آموزه‌های دینی قرآنی شهادت و ایثار دست یابد. نتایج بررسی ضمن اینکه بیانگر امکان رسیدن به مدلی جامع برای آموزه‌های فرهنگ شهادت از منظر قرآنی است؛ نشانگر ارائه سازوکارهای اخروی و دنیوی با هم و در کنار هم برای این آموزه‌هاست. ذکر این نکته نیز ضروری است که در مواردی این معیارها با همدیگر همپوشانی ماهیتی - کاربردی بنیادی داشته‌اند و نیز آنچه که بیان شد قطره‌ای از دریای بی‌انتهای فضایل و آموزه‌های شهادت و شهید در فرهنگ قرآنی است که به تعبیر مولانا آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.

## منابع:

- قرآن کریم.
- ابن‌العربی ابوبکر محمد ابن عبدالله. (۱۳۷۸ قمری). «احکام القرآن»، نشر بیروت، انتشاران دارالمعرفه.
- بابایی احمد علی. (۱۳۸۲). «برگزیده تفسیر نمونه»، چاپ تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
- بروجردی سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). «تفسیر جامع»، چاپ تهران، ناشر انتشارات صدر، چاپ ششم.
- جعفریان رسول. (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا (ص)، چاپ قم، نشر دلیل.



- جعفریان رسول. (۱۳۷۳). تاریخ تحول دولت و خلافت در اسلام، نشر قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمعی از مترجمان. (۱۳۷۷). ترجمه تفسیر جوامع الجامع، چاپ مشهد، ناشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۷). تفسیر هدایت، چاپ مشهد، ناشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد. (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری، چاپ تهران، ناشر انتشارات میقات، چاپ اول.
- حسینی همدانی سیدمحمدحسین. (۱۴۰۴ ق). انوار درخشان، چاپ تهران، ناشر کتابفروشی لطفی، چاپ اول.
- زرگری نژاد غلامحسین. (۱۳۷۸). تاریخ صدر اسلام، چاپ تهران، انتشارات سمت.
- سیاح احمد. (۱۳۸۰). فرهنگ دانش آموز عربی به فارسی و فارسی به عربی، چاپ تهران، نشر انتشارات اسلام.
- شریف لاهیجی محمدبن علی. (۱۳۷۳). تفسیر شریف لاهیجی، چاپ تهران، ناشر دفتر نشر داد، چاپ اول.
- طالقانی سیدمحمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، چاپ تهران، ناشر شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- طبیب سیدعبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ تهران، ناشر انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- علامه طباطبایی. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه موسوی همدانی سیدمحمدباقر، ناشر دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- عاملی ابراهیم. (۱۳۶۰). تفسیر عاملی، چاپ تهران، ناشر انتشارات صدوق.
- فیرحی داود. (۱۳۸۵). دولت شهر پیامبر، مجله علمی پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۳، پاییز ۸۵، ص ۱۸۳ تا ۲۳۶، نشر تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قرائتی محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، چاپ تهران، ناشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
- قرشی سیدعلی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث، چاپ تهران، ناشر بنیاد بعثت، چاپ سوم.
- کاشانی ملافتح‌الل. (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، چاپ تهران، ناشر کتابفروشی محمد حسن علمی.
- مجلسی ملامحمدباقر(علامه). (۱۳۹۲ ه ق). بحارالانوار(تحقیق محمدباقربهودی)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن، چاپ تهران، ناشر مرکز نشر کتاب، چاپ اول.
- مکارم شیرازی ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، چاپ تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- نجفی خمینی محمدجواد. (۱۳۹۸ قمری). تفسیر آسان، چاپ تهران، ناشر انتشارات اسلامیه، چاپ اول.